

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

فرمایش مرحوم آخوند در تذنیب دوم

مرحوم آخوند(قده) در کفایه بعد از اینکه در تذنیب اول، اشکال در عبادیت طهارات ثلاث را مطرح کردند و به آن پاسخ دادند، در تذنیب دوم مطلبی دارند که در حقیقت ثمره‌ی این مطلب در تذنیب اول است.

می‌فرمایند روی این مبنایی که بگوئیم وضو، غسل و تیمم دارای استحباب نفسی است، نتیجه آن این می‌شود که اگر کسی وضو را بدون قصد یکی از غایات وضو انجام داد، وضو بگیرد نه برای صلاة، نه برای مسح قرآن و نه برای غایات دیگری که مربوط به وضو است، اگر وضو گرفت این وضو بخاطر اینکه استحباب نفسی دارد صحیح است و لازم نیست غایتی از غایات وضو را قصد کند و یا اینکه غایتی از غایات وضو بدنبال وضو محقق شود.

اما بنابر اینکه بگوئیم وضو را باید به قصد امر غیره بیاورد، اینجا روشن است که باید غایتی از غایات وضو در نظر گرفته شود. باید بگوئیم یک غایتی مثل صلاة در کار است بعد از اینکه آن غایت محقق است، یعنی قصد انجام آن غایت دارد، آنوقت وضو را بتوانیم به امر غیره آن انجام دهیم.

این اجمال فرمایش مرحوم آخوند است. باید این مقداری توضیح دهیم و جزئیات بیشتری از آن را بیان کنیم.

انجام وضو قبل از وقت نماز

آیا وضو را انسان قبل از وقت می‌تواند انجام دهد یا نه؟

این سؤالی که برای خیلی از مردم هم هست، که وضو را قبل از وقت می‌توانیم انجام دهیم یا خیر؟

بحث اصولی آن همین‌جا باید روشن شود که آیا مکلف می‌تواند این وضو را قبل از وقت انجام دهد یا نه؟ باید هم انجام وضو را قبل از وقت بررسی کنیم و هم انجام وضو را بعد از وقت بررسی کنیم، آن هم روی مبانی و نظریات مختلفی که در مسأله وجود دارد.

برای حل مشکل عبادیت مجموعاً هشت نظریه و قول را بیان کردیم که آن هشت نظریه مجموعاً اگر بخواهیم مقداری خلاصه کنیم شش مبنا در آن وجود دارد و باید انجام وضو قبل از وقت و بعد از وقت را روی این شش مبنا بررسی کنیم که آیا صحیح

است یا صحیح نیست؟

انجام وضو قبل یا بعد از وقت طبق مبنای اول

اما مبنای اوّل اینکه قائل شویم به اینکه وضو و غسل دارای استحباب نفسی است. اینجا همه تصریح کرده‌اند هم مرحوم آخوند و هم دیگران که اگر کسی قبل از وقت، وضو را به قصد استحباب نفسی انجام داد این وضو صحیح است. لازم نیست قصد نماز کند. اگر توجهی به نماز هم نداشت، قبل از وقت وضو را به قصد استحباب نفسی انجام داد، بلا اشکال صحیح است.

زیرا این وضو بنحو عبادی محقق می‌شود، آنگاه صلاحیت برای مقدمیت دارد. در این تردیدی نیست.

حال اگر کسی وضو را بعد از وقت به نیت استحباب نفسی انجام داد. اینجا چطور؟

الان اگر وقت نماز داخل شد، کسی وضو را به قصد استحباب نفسی بعد از وقت انجام داد آیا به درد نماز می‌خورد یا نه؟

نظر مرحوم سید یزدی در وضو بعد از وقت به قصد استحباب نفسی

اینجا مرحوم سید یزدی در کتاب عروة فرموده اشکال ندارد، بعد از وقت، وضو هم وجوب غیری دارد و هم استحباب نفسی دارد. بعد از وقت در این وضو دو جهت وجود دارد. از یک جهت وجوب غیری دارد، چون مقدمه نماز است، و از یک جهت استحباب نفسی دارد بعنوان خودش.

به عبارت دیگر بعنوان مقدمیت، وجوب غیری دارد و بعنوان اولی، خودش عنوان استحباب نفسی دارد.

مرحوم سید در عروة فرموده همانطور که در سایر موارد اجتماع امر و نهی به خاطر اختلاف دو جهت امکان دارد اینجا هم می‌گوییم مانعی ندارد. اینجا هم بگوییم با آمدن وقت، هم وجوب غیری متعلق به وضو است، منتها من جهة أنه مقدمة، هم استحباب نفسی دارد من جهة أنه وضوء، آنگاه اگر این استحباب نفسی بعد از وقت باقی باشد، مانعی ندارد.

روی نظریه مرحوم سید؛ الان وقت داخل شده، بدون اینکه توجهی به صلاة کنید، وضو را به قصد استحباب نفسی آن انجام دهید اشکالی ندارد، حتی بنا بر عدم اتیان صلاة، یعنی اگر کسی بعد از وقت بگوید وضو می‌گیرم و حتی مبنا هم می‌گذارم که نماز نخوانم، مانعی ندارد، این وضو صحیح است. اگر بعد از این بنا، برای او بداء حاصل شد و خواست نماز بخواند و تکلیف خود را انجام دهد نیاز به اینکه دوباره وضو بگیرد نیست.

مرحوم سید می‌فرماید هر دو جهت وجود دارد. مسأله اجتماع؛ دو جهت است، یک جهت وجوب غیری من جهة أنه مقدمة، جهت دیگر استحباب نفسی است من جهة أنه وضوء.

لذا در داخل وقت اگر کسی به قصد استحباب نفسی انجام داد، وضوی او صحیح است و حتی بنا هم داشته باشد نماز نخواند وضوی او صحیح است.

مرحوم محقق خوئی (قده) [محاضرات 2: 402] می‌فرمایند اینجا را نمی‌توانیم بگوییم شبیه مسأله اجتماع امر و نهی است.

در باب اجتماع امر و نهی، قائلین به جواز اجتماع، اجتماعی می‌شوند، در صورتی که این جهات، حیثیت تقییدیه باشد، بگوییم بودن در دار غصبی من جهة أنه صلاة، متعلق امر است و من جهة أنه غصب، متعلق نهی است و این جهات، جهات تقییدیه است.

جهات و حیثیات تقییدیه آن است که خودش عنوان جزئیت برای موضوع و متعلق دارد، جهات تقییدیه به تعددش، متعلق و موضوع را متعدد می‌کند. حکم جزء الموضوع و جزء المتعلق را دارد.

اما ایشان می‌فرمایند در ما نحن فيه اگر می‌گوییم این وضو وجوب غیری دارد، لأجل أنه مقدمة، این عنوان مقدمیت یک حیثیت تعلیلیه است، و سبب برای تعدد موضوع نمی‌شود.

لذا ایشان همان نظریه‌ای که قبلاً هم از استادشان مرحوم نائینی عرض کردیم قائل به اندکاک می‌شوند، به این معنا که وضو استحباب نفسی دارد، اما بعد از آنکه وقت داخل شد، ذات آن باقی می‌ماند، اما حد آن از بین می‌رود. حد استحباب که عبارت از «ترخیص در ترک» است از بین می‌رود، ذات این عنوان مستحب، موجود است و اگر ذات آن موجود بود، می‌توانید بعد از وقت هم وضو را به قصد استحباب نفسی انجام دهید.

چون اگر کسی بگوید با آمدن وقت، استحباب نفسی منعدم می‌شود و بطور کلی از بین می‌رود، یعنی هم حد و هم ذات آن از بین می‌رود.

وقتی وقت داخل شد دیگر نمی‌تواند قصد استحباب نفسی داشته باشد و دیگر نمی‌تواند وضو را به قصد استحباب نفسی انجام دهد. اما اگر بگوییم این استحباب، ذاتاً موجود است ولو اینکه حد آن از بین رفته، آنگاه می‌شود این وضو را به قصد استحباب نفسی انجام داد.

حالا اینجا این بحث متفرع بر بحث در جواز اجتماع امر و نهی است که آیا اجتماع امر و نهی متفرع بر این است که حیثیات و جهات، حتماً تقییدیه باشد یا اگر کسی مثل مرحوم سید، حیثیت تعلیلیه را هم کافی بداند باز می‌شود اجتماع امر و نهی تحقق پیدا کند.

لذا بحث آن را علی‌المبنی عرض می‌کنیم. روی این مبنا که حیثیات باید تقییدی باشد، اینجا مسأله اجتماع امر و نهی و اجتماع دو حکم نیست. اما اگر گفتیم حیثیات تعلیلیه هم کافی است، اجتماع دو حکم در اینجا وجود دارد.

در نتیجه بعد از وقت، تنها روی یک قول نمی‌شود قصد استحباب نفسی کرد، روی قول انعدام. اگر کسی بگوید استحباب نفسی بطور کلی منعدم می‌شود و نه ذات و نه حد آن باقی می‌ماند، اگر در داخل وقت، قصد استحباب نفسی کرد، فایده ندارد. پس روی مبنای اول که به قصد استحباب باشد چه قبل و چه بعد از وقت، تکلیف آن روشن شد.

اما طبق مبنای مرحوم شیخ؛ ملاحظه کردید که مرحوم شیخ بعد از اینکه در مسأله استحباب نفسی اشکال کرد، دو جواب مطرح کردند. یک جواب این بود که بگوییم وضو ذاتا یک عنوان حسن دارد که این عنوان برای ما مجهول است و قصد امر غیری، طریق برای قصد آن عنوان مجهول است.

شیخ فرمود اگر کسی قصد امر غیری کرد، طریق است برای اینکه آن عنوان مجهول را قصد کند. این بیان شیخ بود.

بیان دوم بر طبق آنچه مرحوم آخوند در کفایه فرموده این است که بگوییم غرض از ذی المقدمه تحقق پیدا نمی‌کند إلا اینکه مقدمه‌ی آن را بنحو عبادی انجام دهیم.

حال طبق این دو نظریه شیخ بررسی کنیم، کسی که می‌خواهد قبل از وقت، وضو را انجام دهد، دیگر مسأله استحباب نفسی در کار نیست، شیخ فرمود در راه اوّل قصد امر غیری طریق است برای اینکه قصد آن عنوان مجهول شود. آیا کسی قبل از وقت می‌تواند وضو را به قصد امر غیری انجام دهد؟ خیر، برای اینکه قبل از وقت، هنوز امر غیری وجود ندارد. امر غیری به برکت وجوب ذی المقدمه می‌آید و تا ذی المقدمه وجوب پیدا نکند، امر غیری متوجه مقدمه نمی‌شود. لذا نمی‌شود به قصد امر غیری انجام دهد.

البته دیگر آن اشکالاتی که بر این نظریات بود را کنار بگذاریم. به مرحوم شیخ اشکال می‌کردیم برای به رسیدن به آن عنوان مجهول، راه منحصر به قصد امر غیری نیست. اما طبق این نظر که برای رسیدن به آن عنوان مجهول راه منحصر است به اینکه قصد امر غیری کند، امر غیری وجود ندارد، لذا قبل از وقت هر چقدر وضو بگیرد، وضوی او باطل است.

و اما نظریه دوم شیخ، طبق بیان مرحوم آخوند که بگوییم غرض از ذی المقدمه، تحقق پیدا نمی‌کند مگر این که وضو را به قصد عبادت انجام دهید.

روی این مبنا هم همین‌طور است. یعنی چه زمانی برای شما تحقق و ایجاد غرض ذی المقدمه، واجب است. وقتی خود ذی المقدمه واجب باشد. اگر ذی المقدمه وجوب پیدا نکند، ایجاد غرض بر شما لازم نیست.

لذا در این نظریه هم باید بگوییم قبل از وقت کسی نمی‌تواند قصد امر غیری کند، چون غرض نیست و غرض هم که نباشد امر غیری وجود ندارد.

لذا به نظر می‌رسد روی هر دو نظریه شیخ قبل از وقت نمی‌تواند وضو بگیرد.

چه بسا علت اینکه مرحوم آخوند هم در کفایه وقتی به این قسمت می‌رسند دیگر تفکیک نمی‌کنند و می‌فرمایند روی نظریه شیخ، باید قصد امر غیری شود و روشن است قبل از وقت، قصد امر غیری معنا ندارد.

اما بعد از وقت چطور، آیا می‌تواند وضو بگیرد؟ خیلی واضح است، بعد از وقت می‌تواند به قصد امر غیری انجام دهد و چیز دیگری لازم نیست.

نکته: روی مبنای شیخ اگر کسی بعد از وقت بگوید وضو را انجام می‌دهم برای اینکه مقدمه نماز است، عرف می‌گوید مقدمه و ما به اصطلاح می‌گوییم بخاطر امر غیری، اگر کسی بگوید وضو را انجام می‌دهم به قصد امر غیری، اما دیگر قرینه‌ی إلی الله

نمی‌خواهد بگوید، وضوی او صحیح است. لازم نیست بگوید وضو را به قصد امر غیری قربة إلى الله انجام می‌دهد. همین مقدار که بگوید وضو را به قصد امر غیری انجام می‌دهم، کافی است، هیچ لفظ قربة إلى الله و به قصد قربت لازم نیست. تا اینجا این دو مبنا مطرح شد.

نظر مرحوم امام در وضو بعد از وقت

مرحوم امام (رضوان الله علیه) [مناهج 1: 387] در بعد از وقت، مجموعاً پنج صورت بیان کرده‌اند. در صورت سوّم فرموده‌اند اگر بعد از وقت به داعی امر غیری انجام دهد، لکن متقرباً إلى الله، صحیح است.

آنگاه در صورت پنجم فرموده‌اند اگر بخاطر رسیدن به ذی المقدمه انجام دهد، بدون قصد قربت صحیح نیست.

در نتیجه نظر شریف امام این است که اگر کسی در داخل وقت، وضو را به قصد امر غیری انجام داد اما قصد قربت نکرد، ایشان می‌فرمایند صحیح نیست.

بررسی کلام مرحوم شیخ و مرحوم امام

عرض ما این است که اگر این نظریه شیخ را گفتیم که شیخ می‌گوید قصد امر غیری، طریق برای آن عنوان حسنی است که این عمل دارد، اگر بگوییم قصد امر غیری یا طریق برای آن است یا طریق برای تحقق غرض ذی المقدمه است، دیگر چه نیازی دارد به اینکه قربة إلى الله را قصد کند.

به نظر می‌رسد روی مبنای شیخ کافی باشد و نیازی به اینکه بگوید متقرباً إلى الله انجام می‌دهم نیست، برای اینکه خود این امر غیری در باطنش طریقیّت برای آن عنوان حسن دارد و آن عنوان حسن، ملاک برای عبادیت است، طریقیّت برای آن غرض دارد و آن غرض در واقع ملاک برای عبادیت است.

لذا ما هرچه در این فرمایش امام تأمل کردیم که چرا بعد از وقت، مجرد قصد امر غیری، کافی نیست، نفهمیدیم. نمی‌خواهیم بگوییم اگر گفت متقرباً إلى الله، غلط است، نه، آنکه مسلم درست است، ولی به نظر ما اضافه‌ای آورده است، اگر گفت وضو را انجام می‌دهم به قصد امر غیری، روی مبنای شیخ در داخل وقت باید صحیح باشد و دیگر نیاز به اینکه بگوید متقرباً إلى الله انجام می‌دهم نیست.

روی مبنای امام (رضوان الله علیه) و دیگران که قصد امر غیری را طریق برای آن عنوان عبادیت و غرض نمی‌دانند، اگر در داخل وقت امر غیری متعلق به وضو را قصد کرد و این امر غیری را طریق بض نمی‌دانند، اگر در داخل وقت امر غیری متعلق به وضو را قصد کرد و این امر غیری را طریق برای آن عنوان حسن یا برای آن عنوان حسن یا برای آن مسئله غرض هم ندانیم، اینجا باید گفت کفایت نمی‌کند، برای اینکه اگر امر غیری طریق برای آن عنوان نباشد، ما نیاز به وضوی عبادی داریم، پس باید با قصد قربت انجام شود. لذا روی این مبنا مانعی ندارد اما روی مبنای شیخ مجرد امر غیری کفایت می‌کند. یکی دو مبنای دیگر مانده که إن شاء الله فردا عرض کنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين